

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی رجایی شهر و فراخوان ربابه رضایی! بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی رجایی شهر و دستگیری مجدد رضا شهابی و پیوستن وی به این اعتصاب کنندگان، تمام برنامه‌هایی که تئوریسین‌ها و طراحان و سران و مقامات حکومت اسلامی تدارک دیده بودند نقش بر آب کرد. چرا که حکومت اسلامی، از ماه‌ها قبل از نمایش انتخابات ریاست جمهوری و تشکیل کابینه دوم شیخ حسن روحانی و توافق جناح‌ها بر سر این پرونده و سهم‌گیری آن‌ها از سفره خونین حاکمیت و ثروت‌های عمومی جامعه، بر این تصور خام بودند که برای یک دوره از آرامشی برخوردار خواهند شد.



اما اعتراضات داخل و خارج کشور در رابطه با اعتصاب زندانیان سیاسی و فراخوان ربابه رضایی، همسر و هم‌رزم رضا شهابی، اعتراضات مردم بانه به کشتار کولبران و... خواب و آرامش را از چشمان سران و مقامات حکومت ریود. در تجمع و تظاهرات اعتراضی رانندگان و کارگران شرکت واحد به همراه فعالین کارگری و معلمان و دانش‌جویان و فعالین زنان و کارگری و سیاسی روز چهاردهم شهریور مقابل مجلس در بهارستان در اعتراض به وضعیت کارگر زندانی سندیکا شرکت واحد رضا شهابی به دعوت و فراخوان ربابه شهابی برگزار شد. رضا شهابی امروز 28مین روز اعتصاب غذای خود در زندان رجایی شهر را سپری می‌کند.

بنابر گزارش فعالین کارگری که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است، این تجمع از همان ابتدا در ساعت ده صبح، توسط نیروهای مسلح مستقر در مجلس به خشونت کشیده شد و کارگران و رانندگان شرکت واحد همراه با تعدادی از دانشجویان و فعالین کارگری و معلمان به علت فشار نیروهای امنیتی و پلیس برای متفرق کردن آن‌ها، در خیابان مقابل مجلس دست به راهپیمایی زدند. در این راهپیمایی شعارهایی از قبیل «دانشجو کارگر اتحاد اتحاد» «کارگر زندانی آزاد باید

گردد» «کارگر دانشجو معلم اتحاد اتحاد» «شهایی آزاد نشه این وضع ادامه دارد» و شنیده می‌شود. تعدادی از مردم هم تظاهر کنندگان را حمایت و همراهی می‌کردند، تظاهرات اعتراضی تا داخل مترو بهارستان دامه یافت. چند تن از کارگران شرکت واحد ضمن قدردانی از حمایت دانشجویان و دیگر فعالین کارگری و معلمان، تاکید کردند این اتحاد بین کارگران و دانشجویان و دیگر فعالین باید ادامه پیدا کند تا با یک صدایی بتوانیم به مطالبات به حق مان برسیم.

این یک تجربه خوبی است مادران، زنان و اقوام زندانیان سیاسی می‌توانند هر کدام به نوبه خود و یا جمعی فراخوان‌هایی شبیه فراخوان ربابه شهایی بدهند و یک کمپین مداومی را تا تحمیل مطالبات زندانیان اعتصابی و حتی آزادی بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی و اجتماعی سازمان‌دهی کنند!

در آستانه مراسم سوگند حسن روحانی برای آغاز دومین دوره ریاست جمهوری، شماری از رهبران و دیپلمات‌های کشورهای مختلف جهان به تهران دعوت شدند و دیدارهایی نیز با مقام‌های ایرانی داشتند.

در این میان، نمایندگان مجلس مانند کسانی که «رن» اروپایی ندیده‌اند با حرص و ولع زنده‌ای دور « فدریکا موگرنی» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا که برای شرکت در مراسم تحلیف به تهران رفت، جمع شده بودند و انگار با هم وارد مسابقه سخیفی‌اند تا با این خانم عکس یادگاری بگیرند و...

رفتار و واکنش‌های عجیب نمایندگان مجلس شورای اسلامی با موگرنی، در مراسم تحلیف شیخ حسن روحانی، حتی خودی‌هایشان را نیز خشمگین کرد. برای مثال، رجی همان فردی است که روی میز نشسته و بازوی خود را روی مونیتور روی میز قرار داده و تلاش می‌کند خود را با موگرنی در قاب دوربین جای دهد انگار یک موجود فضایی دیده است.

در مراسم تحلیف که به‌طور زنده از برخی شبکه‌های تلویزیونی ایران، مانند شبکه خبر، پخش می‌شد، دوربین تلویزیون به‌طور مرتب روی فدریکا موگرنی کلوزآپ می‌شد. در حالی که مقام‌های خارجی دیگر نیز در مراسم حضور داشتند اما دوربین‌ها هیچ‌گاه روی چهره آن‌ها زوم نشد.



یکی از دیگر موضوع‌های سخیف مراسم تحلیف این عبارت حسن روحانی بود که گفت: «ایران برج بلند دموکراسی است که ۱۱۱ پله دارد. از ۱۱۱ سال پیش تا کنون مردم ایران برای دموکراسی قدم برداشتند.» اشاره ریاکارانه روحانی به تلاش جامعه ایران، برای دموکراسی از مشروطیت تا کنون بود.

آن‌ها، حتی این‌بار برای مراسم تحلیف ریاست جمهوری روحانی، بی‌شرمانه تروریست معروفی چون «صحرارودی» را که در ترور عبدالرحمان قاسمو دبیرکل وقت حزب دموکرات کردستان ایران و همراهان وی در وین - اتریش نقش اصلی داشت احتمالاً عمداً باز هم برپا چندین بار «رونمایی» کردند. صحرارودی سال‌هاست که مشاور لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی است.



محمدی گلپایگانی رییس دفتر خامنه‌ای با جعفری صحراوردی نفر اول از سمت راست

گذشته از این هفت روز چهارشنبه 14 تیر 1396، 45 سفیر از کشورهای مختلف را برای بازدید از زندان مخوف اوین تهران، به این زندان بردند. آن‌ها مکان‌های مورد بازدید زندان را به‌طوری بزرگ کرده بودند که حتی برخی از ابله‌ترین این سفرا، به تعریف و تمجید از شرایط این زندان پرداختند. چرا که احتمالاً حکومت اسلامی، سیل آن‌ها را به خوبی چرب کرده بود.

یک نهاد ضدبشری حکومت اسلامی به نام «حقوق بشر قوه قضاییه حکومت اسلامی» و هم‌چنین «سازمان زندان‌ها» این بازدید را سازماندهی کرده بودند.

کازم غریب‌آبادی، معاون امور بین‌الملل دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضاییه در این بازدید برای سفیران از «حقوق زندانیان» و «وضعیت مناسب بهداشت و سلامت» در زندان اوین گفت: «در جمهوری اسلامی ایران مجازات‌ها هدف تشهیبی و تحقیری نداشته بلکه با هدف بازدارندگی و پیش‌گیری انجام می‌شود.»

او هم‌چنین زندان اوین را در مقایسه با برخی زندان‌های کشورهای دیگر «بی‌نظیر» توصیف کرد: «زندانیان در زندان‌های ایران با زندانیان رفتار انسانی و دوستانه دارند.»

حتی قوه قضاییه حکومت اسلامی ایران، با طرح یک ادعای مضحک و مسخره‌ای خواهان آزادی زندانیان سیاسی در آمریکا شد! این نمایش و اظهارات مقامات قوه قضاییه درباره زندان‌هایشان، در حالی مطرح شد که گزارش‌های متعددی درباره وضعیت نامناسب زندان‌ها در ایران منتشر می‌شوند. فرسودگی ساختمان‌ها، عدم توجه به وضعیت زندانیان بیمار، بهداشت عمومی زندان‌ها، تغذیه، و تراکم و حضور افزون بر ظرفیت زندانیان در زندان‌ها از جمله این مشکلات هستند.

شمار زیادی از زندانیان، زندان را با بیماری‌های مختلفی ترک می‌کنند که پیش از ورود به زندان به آن‌ها دچار نبوده‌اند.

کازم غریب‌آبادی، هم‌چنین گفته است زندانیان‌ها در زندان‌های ایران با زندانیان رفتاری انسانی و دوستانه دارند.

معاون دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضاییه از «رفتارهای سیاسی برخی کشورها و رسانه‌ها در ارائه تصویری دروغین و ناصحیح از زندان‌های ایران» انتقاد کرده و گفته است این رفتار «با اغراض سیاسی» انجام می‌شود؛ ادعایی که جمهوری اسلامی پیوسته در برابر انتقادها مطرح می‌کند.

اما ناگهان اعتصاب غذای زندانیان رجایی‌شهر مانند بمبی پرسروصدا در جهان پیچید و مخالفین جدی حکومت اسلامی و مدافعین جنبش کارگری و آزادی همه زندانیان سیاسی با شعارهای طنین‌اندازی چون «سرنگون باد حکومت اسلامی ایران! - زنده باد آزادی! - زنده باد سوسیالیسم!» و... در شهرها و پایتخت‌های شهرهای بزرگ اروپا و آمریکا و کانادا و استرالیا، یک‌بار دیگر و وسیع‌تر از گذشته، افکار عمومی جهان را به خود جلب کرد؛ به‌طوری که از سازمان ملل، عفو بین‌الملل و گزارشگران بدون مرز گرفته تا کنفدراسیون‌های کارگری و سازمان‌ها چپ، سوسیالیست، سندیکالیست، آنارشیست و نهادها طرفدار جنبش کارگری و آزادی‌های فردی و جمعی، آن‌چنان این آرامش خیالی سران و مقامات حکومت اسلامی را بر هم زد که آن‌ها چرت‌شان پاره گردد و دیوانه‌وار و سراسیمه همه جناح‌ها به همدیگر خیره شوند و عملاً ببینند که طرح‌ها و سناریوهای چند ماه اخیرشان نقش بر آب شده است.

اعتصاب غذای اخیر زندانیان سیاسی رجایی‌شهر از روز هشتم مرداد ماه 96، از آن‌جا آغاز شد که مامورین ویژه زندان، ناگهان هجوم وحشیانه‌ای به آن‌ها بردند و با ضرب و شتم آن‌ها را به سالن جدیدی انتقال دادند.

صبح روز هشتم مردادماه با حضور تعداد بی‌شماری گارد زندان، بدون اطلاع قبلی 53 زندانی سیاسی-امنیتی محبوس در سالن 12 زندان رجایی‌شهر کرج به محلی که از قبل مدت‌ها توسط نیروهای امنیتی در حال ساخت و توسعه بود منتقل شدند. این محل مجهز به تعداد زیادی دوربین مدار بسته و دستگاه‌های نظارتی است و همین‌طور دارای حفاظ‌هایی است که آن را از باقی قسمت‌های زندان جدا می‌کند. زندانیان سیاسی محبوس در این محل از زمان انتقال دست به اعتراض و بعضاً اعتصاب زده‌اند.

هم‌زمان برخی رسانه‌ها، به نقل از خانواده زندانیان اعتصابی گزارش می‌دهند زندانیان هم‌چنان به اعتصاب غذای اعتراضی خود ادامه می‌دهند. در حال حاضر هویت **17** تن از زندانیانی که در اعتصاب غذا به سر می‌برند توسط هرانا احراز شده است از جمله؛ سعید شیرزاد، ابراهیم فیروزی، سعید ماسوری، امیر قاضیانی، شاهین ذوقی تبار، ابوالقاسم فولادوند، وحید صیاد نصیری، محمد امیرخیزی، محمدعلی (پیروز) منصوری، جعفر (شاهین) اقدامی، رضا اکبری منفرد، پیام شکبیا، مجید اسدی، حسن صادقی، محمدنظری، حمید بابایی و رضا شهابی.

در بین اعتصاب کنندگان محمدنظری و رضا شهابی رسیدگی به وضعیت حقوقی پرونده خود را نیز علاوه بر اعتراض به محیط بند جدید مطالبه می‌کنند.

گفته می‌شود تعداد اعتصاب کنندگان بیش از این افراد بوده که در چند مورد با درخواست سایر زندانیان به دلایلی از جمله مشکلات پزشکی به اعتصاب خود پایان داده‌اند. از جمله این زندانیان سعید پورحیدر است که اعتصاب خود را به دلیل مصرف داروی قلبی به روزه تغییر داده است.

هر چند به دلیل محدودیت‌های اعمالی شدید و تلاش نیروهای امنیتی برای جلوگیری از انتشار اخبار از وضعیت این زندانیان احتمال این‌که تعداد زندانیان اعتصابی بیش از این تعداد و اسامی باشد متفی نیست.

بنا به گزارش هرانا، هم‌چنین روز **4** شهریورماه حسن صادقی از زندانیان اعتصابی به دلیل مشکلات بینایی به بیمارستان فارابی تهران منتقل شده بود که با وجود توصیه پزشکان تصمیم گرفت کماکان به اعتصاب غذای اعتراضی خود ادامه دهد.

در مورد وضعیت سلامتی زندانیان اعتصابی نیز خبرها حاکی از آن‌ست که در روزهای اخیر، چند تن از زندانیان از جمله رضا اکبری منفرد، ابوالقاسم (جواد) فولادوند، جعفر اقدامی، شاهین ذوقی تبار، سعید شیرزاد و تعدادی دیگر راهی بهداری زندان شده‌اند. مسئولان زندان تاکنون حاضر نشده‌اند نامه‌های رسمی زندانیان در خصوص اعلام اعتصاب غذا را از آنان دریافت و در سیستم اداری زندان ثبت کنند.

دکتر کریمی مسئول بهداری زندان رجایی شهر کرج به زندانیان اعتصابی گفته است رسیدگی زیاد و مستمری از این بهداری ساخته نیست چرا که اعتصاب این زندانیان در سیستم زندان ثبت نشده است که امکان چک آپ روزانه برای آنان فراهم باشد.

امیر قاضیانی از روز **4** شهریورماه به اتهام شکستن تجهیزات نظارتی (دستگاه‌های شنود تعبیه شده در بند) به سلول‌های انفرادی منتقل شده است. قاضیانی، هم‌چنین به دلیل بی‌احترامی مسئولین به مادرش در ساختمان اداره کل سازمان زندان‌های استان تهران معترض است.

لازم به یادآوری است که روز دوشنبه **8** مرداد ماه، بعد از انتقال زندانیان سیاسی به هواخوری پس از تفتیش توأم با ضرب و شتم زندانیان، بدون اجازه برداشتن شخصی‌ترین وسایل از جمله داروها، آنان را به سالن **10** که از مدت‌ها قبل تحت نظارت نیروهای امنیتی در حال ساخت بود منتقل کردند.

10 نفر از معترضان به این انتقال به سلول انفرادی برده شدند اما **4** تن از آنان پس از چند ساعت به سالن **10** بازگشتند، و **6** نفر دیگر از جمله حسن صادقی، سعید ماسوری، رضا اکبری منفرد، امیر قاضیانی، ابوالقاسم فولادوند و جعفر اقدامی برای چند هفته تا پیش از انتقال مجدد به سالن **10** در سلول انفرادی ماندند.

تعداد اعتصاب‌کنندگان در مرحله اول تا **22** زندانی گزارش شد با این‌حال به دلایل مختلفی به خصوص وضعیت نامساعد جسمی بعضی از زندانیان، تعداد این افراد کاهش پیدا کرد.

یک منبع آگاه دیگر از آخرین وضعیت زندانیان این سالن که نخواست نامش فاش شود به گزارشگر هرانا گفته که «تتها یک عدد کولر که آن هم به‌واسطه خود زندانیان تامین شده در چنین بند بزرگ و پر جمعیتی کار می‌کند که عملاً هیچ تأثیری در کاهش دمای گرم و خشک بند ندارد. زندان از داشتن تخت کافی محرومند و دسترسی به آب آشامیدنی تصفیه شده ندارند. در روزهای اخیر یک یخچال و فریزر که مملو از غذاهای فاسد شده به دلیل خاموشی بود به زندانیان تحویل داده شد که عملاً برای چنین تعداد زیادی زندانی مشکل‌گشا نیست.»

این منبع در مورد وضعیت سلامتی این زندانیان توضیح داد: «حال عمومی افرادی که از کهولت سن رنج می‌برند مناسب گزارش نمی‌شود. داروهای بعضی از زندانیان هنوز به آنان تحویل داده نشده و رسیدگی پزشکی به بیماران در کمترین حد وجود دارد.»

وی تأکید کرد: «برخلاف آیین نامه سازمان زندان‌ها و اصول شهروندی حتی جایی برای تعویض لباس که از دید دوربین‌های مدار بسته سالن محفوظ بماند وجود ندارد. در واقع هیچ حریم شخصی برای آنان قابل تصور نیست.»

این منبع نزدیک به زندانیان سالن **10** تأکید کرد برخی از وسایل زندانیان در سالن قبل جا مانده یا مورد تخریب قرار گرفته است از جمله یخچال‌ها، تلویزیون، کولر، ظروف غذا و دستگاه تصفیه‌آب که نبود آن مشکلات زندانیان را چند برابر کرده است.

از دیگر مشکلات اخیر این زندانیان، علاوه بر عدم اجازه تماس تلفنی با خانواده و وکیل محدودیت در ملاقات‌ها است. بخصوص زندانیانی که همسران یا اعضای خانواده دیگری در زندان اوین دارند و پیش‌تر به‌صورت منظم از امکان ملاقات بین زندانیان برخوردار بودند از این امکان محروم شده‌اند.

گفته می‌شود محمد مردانی، رییس این زندان نقش اصلی در جابه‌جایی و اعمال فشار بر زندانیان سیاسی-امنیتی این زندان را بر عهده داشته، هر چند مدعی شده این عمل به دستور مقامات قضایی صورت گرفته است.



عباس جعفری دولت آبادی دادستان تهران

در حالی که تشکل‌های کارگری، سازمان‌های مدافع حقوق بشر و... نسبت به وضعیت زندانیان سیاسی اعتصاب غذاکننده در ایران ابراز نگرانی کرده‌اند، دادستان تهران اعلام کرده است که دستگاه قضایی توجهی به اعتصاب غذای زندانیان نمی‌کند. به گزارش خبرگزاری‌های داخلی ایران، عباس جعفری دولت‌آبادی روز چهارشنبه اول شهریور 1396، با بیان این که اعتصاب غذا از نظر دستگاه قضایی اقدامی شکست خورده است، گفت: «قرار نیست ما تحت تأثیر برخی اقدامات زندانیان از جمله اعتصاب غذا قرار بگیریم.»

این سخنان دادستان تهران در حالی است که در واکنش به اعتصاب غذای حدود بیست زندانی سیاسی در ایران، حتی سازمان عفو بین‌الملل در تازه‌ترین بیانیه خود اعلام کرد شرایط زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر کرج به قدری بد است که زندانیان برای ساده‌ترین حقوق انسانی خود ناچار به اعتصاب غذا شده‌اند. این زندانیان به انتقال زندانیان سیاسی زندان به یک بند امنیتی خاص معترض هستند. پیش‌تر هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران خبر داده بود که حدود پنجاه زندانی سیاسی به یک بند تازه منتقل شده‌اند که حتی سرویس بهداشتی آن نیز مجهز به دوربین‌های مدار بسته است. آن‌ها می‌گویند محدودیت‌های بی‌سابقه‌ای به این زندانیان اعمال می‌شود. بعد از این که به اعتراض زندانیان سیاسی رسیدگی نشد، آن‌ها دست به اعتصاب غذا زدند.

سالن 10 زندان رجایی شهر کرج (اندرزگاه 4) به عنوان محل جدید نگهداری زندانیان سیاسی-امنیتی در زندان رجایی شهر کرج پیش‌تر محل نگهداری جمعی از زندانیان اهل سنت بود که سال گذشته به صورت دسته‌جمعی در این زندان اعدام شدند.

پس از اعدام این زندانیان و متروک ماندن این سالن با دستور و نظارت نهادهای امنیتی این محل مورد بازسازی و توسعه از منظر امنیتی قرار گرفت.

تغییر ساختار این سالن با جوش دادن درب‌ها، اضافه کردن دوربین‌های مدار بسته به هر اتاق و حتی حمام‌ها و سرویس‌های بهداشتی و احتمالاً در نظر گرفتن موارد دیگری از محدودسازی و مانیتور کردن تا ماه گذشته به طول انجامید. گفته می‌شود حدود 40 دوربین مدار بسته و احتمالاً تعداد زیادی دستگاه‌های شنود در این محل تعبیه شده است. هم‌چنین تمام منافذ این بند مانند پنجره‌ها جوش کاری و پوشانده شده‌اند.

بند مورد اشاره فاقد امکان تهویه هوا است و به دلیل عدم اجازه انتقال دستگاه‌های تصفیه آبی که زندانیان با هزینه خود تهیه کرده بودند زندانیان از دسترسی به آب آشامیدنی سالم محروم شده‌اند. به زندانیان معترض گفته شده است این انتقال کم‌سابقه به دستور ریاست سازمان زندان‌های کشور و به هدف جلوگیری از انتشار اخبار و گزارشات از این محل صورت گرفته است.

لازم به ذکر است زندانیان منتقل شده که 53 نفر تخمین زده می‌شوند عمدتاً از زندانیان شهرهای دیگر کشور هستند که به صورت تبعید به زندان رجایی شهر کرج که اساساً در تعریف سازمان زندان‌ها متعلق به زندانیان خشن است منتقل شده‌اند. این زندانیان فارغ از اصل مسئله حبس، به عنوان تبعیدی رنجی مضاعف متحمل می‌شوند و اکنون نیز با انتقال به بندی امنیتی به مشکلات آنان اضافه می‌گردد. زندانیان سیاسی معترض معتقد هستند پس از محکومیت، تفاوتی بین آنان و سایر زندانیان وجود ندارد و لازم است حسب قوانین سازمان زندان‌ها با همه به یک شکل برخورد شود.

هم‌چنین «گرفتار در گرداب سرکوب: مدافعان حقوق بشر زیر آماج حمله در ایران» عنوان گزارش تازه عفو بین‌الملل درباره ایران است. در این گزارش که روز چهارشنبه دوم اوت 2017 - 11 مرداد 1396 منتشر شده، از فعالان حقوق بشر در ایران به عنوان کسانی یاد شده است که در دفاع از حقوق مردم تن به خطر می‌دهند.

عفو بین الملل اعلام کرده است قوه قضاییه و نهادهای امنیتی از زمان روی کار آمدن حسن روحانی در سال **1392**، با هتک حرمت مدافعان حقوق بشر فشارها را بر آن‌ها افزایش داده‌اند و ده‌ها نفر را دستگیر و بازداشت کرده‌اند.

بر اساس گزارش تازه سازمان عفو بین الملل که با عنوان «گرفتار در گرداب سرکوب: مدافعان حقوق بشر زیر آماج حمله در ایران» منتشر شده است، بسیاری از مدافعان حقوق بشر در رسانه‌های حکومتی با عناوین و اتهاماتی هم‌چون «جاسوس» و «خائن» خوانده شده‌اند و با اتهامات واهی مرتبط با «امنیت ملی» محاکمه و زندانی شده‌اند. با توجه به این وضعیت، عفو بین الملل می‌افزاید: امیدها برای اصلاح و بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران که از وعده‌های حسن روحانی در طول کارزار انتخاباتی‌اش در سال **92** و **96** بوده است، تیره و تار است. به گزارش سازمان عفو بین الملل در حال حاضر بعضی از فعالان مدنی به دلیل فعالیت‌های مسالمت‌آمیز از جمله ارتباط با سازمان ملل، اتحادیه اروپا و سازمان‌های حقوق بشری مانند این سازمان، به بیش از **10** سال زندان محکوم شده‌اند.

در واکنش به «اقدام نمایشی» بازدید سفرای خارجی از زندان اوین، پژوهش‌گر سازمان عفو بین الملل در امور ایران، در گزارشی نوشته است:

هفته گذشته مقام‌های قوه قضاییه ایران در اقدامی کم سابقه بازدیدی از زندان اوین، یکی از بدترین زندان‌های کشور، برای نمایندگان دیپلماتیک **45** کشور از اروپا، آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی ترتیب دادند. افراد ترتیب‌دهنده این بازدید لزومی به هیچ‌گونه مخفی‌کاری درباره این واقعه ندیدند که «تور زندان اوین» را برای مقابله با گزارش‌های حقوق بشری در مورد این زندان طراحی کرده‌اند. توری که تلاش کرد «مکانات عالی» ارائه شده در این زندان شامل سالن زیبایی خصوصی، ورزشگاه، کتابخانه و رستوران را به تصویر بکشد. در روزهای بعد از این بازدید، رسانه‌های حکومتی اخباری درباره وضعیت این زندان منتشر کردند که در آن‌ها شرایط زندان اوین «عالی» توصیف شده بود. هم‌چنین بر اساس این خبرها نمایندگان هند، اندونزی، پرتغال و کره جنوبی به تحسین پرداخته و به مقام‌های ایرانی تبریک گفته‌اند. در واقع اما این تصویر هیچ نشانی از واقعیت در خود ندارد. تحقیقات انجام شده از سوی سازمان عفو بین الملل و سایر سازمان‌های حقوق بشری در طول سال‌های گذشته نشان می‌دهد شرایط زندان اوین غیر انسانی و غیر بهداشتی است. یکی از شایع‌ترین شکایت‌ها که بارها و بارها تکرار شده است، کمبود شدید آب گرم، تهویه نامناسب و وجود سوسک و موش در این زندان، به خصوص در نزدیکی آشپزخانه آن است. علاوه بر این زندانیان این زندان بارها گفته‌اند به دلیل کمبود تخت مجبورند کف زمین بخوابند که این مسئله به خصوص در ماه‌های سرد زمستان مشکلات جدی ایجاد می‌کند. شرایط تغذیه زندانیان نیز مناسب نیست و به ندرت غذای کافی با کیفیت مناسب در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد. آن دسته از زندانیانی که به اندازه کافی خوش شانس هستند که می‌توانند غذای مورد نیاز خود را از فروشگاه زندان تهیه کنند، این کار را می‌کنند.

زندان اوین یک مجتمع بزرگ است که از چندین ساختمان و بند تشکیل شده است. اغلب این ساختمان‌ها سه طبقه‌اند و در هر ساختمان دو بخش وجود دارد. شرایط در بخش‌های مختلف این زندان می‌تواند به شدت متفاوت باشد. آنچه در مورد سالن زیبایی، سالن بدنسازی، کتابخانه و رستوران قابل طرح است این است که این مکان‌ها تنها در اختیار زندانیانی قرار می‌گیرد که در ساختمان (بند) هفت حضور دارند و بسیاری از دیگر بندهای زندان، به شکلی تأسف‌بار از دید نمایندگان و سفیران کشورهای خارجی پنهان مانده است. این افراد تنها به بخش کوچکی از زندان در بندهای چهار و هفت برده شده‌اند که بیشتر زندانیان در این حدود زندانیانی ثروتمند به شمار می‌روند. آن‌ها اغلب به دلیل جرایم مالی محکوم شده‌اند و با استفاده از منابع مالی خود امکانات مختلفی را برای خود فراهم کرده‌اند. امکاناتی نظیر فرش، پرده، تلویزیون، تهویه مطبوع، وسایل آشپزخانه و ... سازمان عفو بین الملل پی برده است که پیش از برگزاری این بازدید، مسئولان زندان عده‌ای از زندانیان را به بخش‌ها و مناطق دیگر زندان منتقل کرده‌اند تا ازدحام جمعیت در زندان مشخص نباشد و دیوارها هم رنگ‌آمیزی شوند. آن‌ها هم‌چنین به زندانیان هشدار داده‌اند در این بازدید به دیپلمات‌ها نزدیک نشوند و انتقاد نکنند. زندان اوین نه تنها در ایران که در سطح جهان به‌عنوان نماد سرکوب سیاسی گسترده در ایران شناخته می‌شود. این زندان در طول تاریخ تنگنیش‌صدها نفر از فعالان مدنی و سیاسی را که اقدامات‌شان صلح‌آمیز بوده است، همراه با روزنامه‌نگاران، روشنفکران و وکیلان حقوق بشر در خود دیده است.

با وجود این نمایندگان کشورهای خارجی اجازه بازدید از دیگر بخش‌های زندان را که ده‌ها تن از زندانیان عقیدتی از جمله مدافعان حقوق بشر در آن‌ها در بند هستند، نداشته‌اند. این ساختمان‌ها عبارتند از بند **350** که مدافع برجسته حقوق بشر، عبدالفتاح سلطانی در آن زندانی است. هم‌چنین آرش صادقی، فعال حقوق بشری که به‌شدت بیمار است، در این بند نکه‌داری می‌شود.

در بند هشت، امید عالیشاه، دیگر مدافع حقوق بشر زندانی است و هم‌چنین بند زنان زندان اوین که فعالان حقوق بشر، نرگس محمدی، گلرخ ابراهیمی ایرانی و آتنا دائمی در آن زندانی هستند. این هیئت در بازدید خود، هم‌چنین امکان دسترسی به محل‌های زیر نظر وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران را نداشته است. محل‌هایی که بازدید شدگان به‌طور معمول در آن‌ها تحت شکنجه و بدرفتاری قرار می‌گیرند.

نمایندگان کشورهای خارجی، هم‌چنین امکان ملاقات با زندانیان دو تابعیتی را پیدا نکرده‌اند. کسانی هم‌چون نازنین زاغری - راتکلیف و کمال فروغی، زندانیان ایرانی-بریتانیایی. هم‌چنین دکتر احمدرضا جلالی، پژوهش‌گر ایرانی ساکن سوئد که در طول مدت این بازدید به سلول انفرادی منتقل شده است.

بازدید بی‌نهایت تبلیغاتی و نمایشی از زندان اوین به صورتی واضح در راستای پوشاندن حقایق تاریک درباره این زندان برنامه‌زیری شده است.

صحبت‌های کاظم قریب‌آبادی، پس از این بازدید و ادعاهایی که از ناحیه او مطرح شده شرم‌آور هستند. او گفته است زندانیان در ایران از دسترسی کامل به مراقبت‌های پزشکی برخوردارند: اظهارنظری که در تعارض کامل با یافته‌های یک گزارش سازمان عفو بین‌الملل است. گزارشی که نشان می‌دهد چگونه زندانیان سیاسی عمداً از دسترسی به مراقبت‌های پزشکی مناسب محروم می‌مانند و این‌گونه به شکلی مضاعف مجازات می‌شوند:

قریب‌آبادی، هم‌چنین مدعی شده است شرایط زندان اوین نمونه‌ای از استانداردهای بالای زندان‌ها در سراسر ایران است. این در حالی است که سالانه عده زیادی از زندانیان در اعتراض به شرایط وحشتناک زندان‌ها در ایران دست به اعتصاب غذا می‌زنند. هم‌چنان که پیش از این و در سال جاری، سعید شیرزاد، فعال حقوق بشر زندانی در زندان رجایی شهر کرج (در نزدیکی تهران)، در اعتراض به شرایط نامناسب زندان اعتصاب غذایی 39 روزه کرد.

چنین ادعاهای دروغینی تلاش مقام‌های ایرانی برای زدودن تصویر صدها نفر از زندانیان است که در طول این سال‌ها در پشت میله‌های زندان‌های مختلف در ایران، از جمله زندان اوین رنج کشیده‌اند.

سفیران کشورهای خارجی که در «تور اوین» شرکت داشته‌اند، پیش از حضور در زندان اویت نمی‌دانسته‌اند که قرار است حضورشان با چنین محدودی همراه باشد و چنین سطحی از تحریف در مورد شرایط این زندان بدنام وجود داشته باشد. اکنون اما باید برای آن‌ها بسیار روشن باشد که مقام‌های ایرانی از آن‌ها برای کسب اعتبار در تبلیغات مورد نظر خود استفاده کرده‌اند. این سفیران باید علیه شکنجه و بدرفتاری با سایر زندانیان در ایران و بازداشت‌های خودسرانه مدافعان حقوق بشر سخن بگویند و از مقام‌های زندان اوین و دیگر زندان‌ها در ایران بخواهند درها را برای بازدید و نظارت نهادهای مستقل باز کنند.

اگر مقام‌های ایرانی واقعا علاقه‌مند به بهبود اوضاع هستند و می‌خواهند دیگر به بدنامی شهره نباشند، باید فوراً در وضعیت فعلی زندان‌ها تغییرات جدی ایجاد کنند. از جمله: امکان دسترسی به مواد غذایی، آب، مراقبت‌های پزشکی، امکانات بهداشتی و تخت‌های مناسب را برای همه زندانیان تضمین کنند.

آن‌ها هم‌چنین باید استفاده از شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها را در بازجویی‌ها کنار بگذارند و برخورد با زندانیان، همراه با حفظ حرمت و کرامت بشری آن‌ها باشد. مدافعان حقوق بشر و کسانی که جز فعالیت‌های مسالمت‌آمیز کار دیگری نکرده‌اند و غیرقانونی بازداشت و محاکمه شده‌اند هم آزاد شوند.

حکومت اسلامی ایران، باید به سازمان‌های بین‌المللی از جمله گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران اجازه دهد به شکل مستقل از زندان اوین و سایر زندان‌های ایران بازدید کنند و شرایط این زندان‌ها را با استانداردهای بین‌المللی تطبیق دهند.

تتها با گذر از چنین مراحل است که ایران می‌تواند اعتمادی واقعی به سیستم زندان‌های کشور ایجاد کند.



به‌گفته دیتر کارگ، کارشناس مسائل ایران سازمان عفو بین‌الملل در آلمان، قربانیان اصلی این سرکوب وکلای مدافع حقوق بشر، نمایندگان سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری و کنشگرانی بوده‌اند که برای حقوق زنان، لغو حکم اعدام و نیز دفاع از حقوق اقلیت‌ها از جمله اقلیت‌های مذهبی فعالیت می‌کرده‌اند.

به‌گفته این مقام عفو بین‌الملل، به‌خصوص آن دسته از فعالانی که برای روشنگری اعدام‌های دسته‌جمعی تابستان 1367 تلاش کرده‌اند، آماج حملات و سرکوب‌های دستگاه‌های قضایی و امنیتی بوده‌اند.

گزارش جدید عفو بین‌الملل زیر عنوان «گرفتار در شبکه سرکوب: حمله به مدافعان حقوق بشر در ایران» با استناد به گزارش‌های موجود، تشدید فشار و سرکوب در ایران از زمان به قدرت رسیدن حسن روحانی تا کنون را نشان می‌دهد.

به‌گفته دیتر کارگ، برمدافعان حقوق بشر در ایران عنوان‌هایی چون «جاسوس بیگانه» و «خائن» می‌گذارند و آن‌ها را به زندان‌های طولانی‌مدتی، معمولاً بیش از 10 سال، محکوم می‌کنند؛ دادگاه‌های انقلاب هم اغلب پشت درهای بسته برگزار شده‌اند و دادگاه در مواردی حتی فقط چند دقیقه طول کشیده است.

دبیر کارگ افزوده است، در بسیاری از موارد بازداشت‌شدگان برای گرفتن «اعتراف» مورد شکنجه یا سوءرفتار واقع شده‌اند.

گزارش عفو بین‌الملل حسن روحانی و دولت او را متهم می‌کند که تاکنون اقدام موثری برای مقابله با این موارد صریح نقض حقوق بشر و متوقف کردن آن انجام نداده، بلکه برعکس، همواره گزارش‌های مرتبط با نقض حقوق بشر در ایران را رد کرده و مدعی شده که در این کشور هیچ‌کس تنها به خاطر استفاده مسالمت‌آمیز از حقوقی چون آزادی بیان و تجمع بازداشت نمی‌شود.

گزارش عفو بین‌الملل مشخصاً از 45 نفر در ایران نام برده که قربانی فعالیت‌های مسالمت‌آمیز حقوق بشری شده‌اند. از این تعداد 21 مورد با ذکر جزئیات ثبت شده‌اند.

نرگس محمدی کنشگر حقوق بشر، آتنا دائمی از فعالان طرفدار لغو حکم اعدام، گلرخ ابراهیمی ایرانی فعال مدنی، جعفر عظیم‌زاده دبیر هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و اسماعیل عبیدی دبیر کانون صنفی معلمان ایران، از جمله نام‌هایی هستند که گزارش عفو بین‌الملل به آن‌ها اشاره کرده است.

«مگدلنا مغربی» معاون بخش خاورمیانه و شمال آفریقا در سازمان عفو بین‌الملل، در بیانیه‌ای اعلام کرد وضعیت زندان رجایی شهر و شرایط موجود برای زندانیان سیاسی، «شرم‌آور» است. هم‌زمان خبر می‌رسد که اعتصاب غذای مهدی خزعلی، منتقد سیاسی نیز ادامه دارد و به تازگی به بیمارستان بقیه‌الله متعلق شده است.

بسیاری از زندانیان سیاسی در سالیهای اخیر ناچار شده‌اند برای به دست آوردن حقوق قانونی خود دست به اعتصاب غذا بزنند؛ از جمله نرگس محمدی، فعال مدنی که برای گفت‌وگوی تلفنی با فرزندانش خود دست به اعتصاب غذا زد، آرش صادقی که پس از بازداشت همسرش برای رسیدگی به وضعیت او دست به اعتصاب غذا زد و آتنا دائمی که در اعتراض به بازداشت و زندانی شدن غیرقانونی خواهرانش دست به اعتصاب غذا زد.

تمام شواهد و قرائن و آمار و ارقام نشان می‌دهند که وضعیت «حقوق بشر» در ایران، در دوره اول ریاست جمهوری حسن روحانی بدتر از گذشته شده است. یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های نقض حقوق بشر در ایران در سال‌های ریاست جمهوری روحانی، تداوم اعدام‌های گسترده بوده است.

خانم عاصمه جهانگیر، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران، پیش از این با انتشار اولین گزارش جامع خود از وضعیت حقوق بشر ایران، درباره شمار اعدام‌ها ابراز نگرانی کرد و اعلام داشت که این تعداد در سطح «هشتمین» است.

در گزارش خانم جهانگیر آمده است که برای ایجاد هر نوع تغییر قابل توجه به منظور بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران، اعمال تغییرات عمیق قانونی و ساختاری در این کشور امری ضروری و لازم است.

از سویی دیگر، سازمان عفو بین‌الملل نیز در بخشی از گزارش سالانه خود عنوان داشته که چنانچه کشور چین با 4/1 میلیارد نفر جمعیت را در آمار در نظر بگیریم، شمار اعدام‌ها با حکم قضایی در ایران، 5/5 درصد کل موارد ثبت‌شده در جهان است.

این سازمان، هم‌چنین تاکید کرده است که بسیاری از اعدام‌شدگان، «زیر شکنجه» به «جرایم» نسبت داده شده «اعتراف کرده‌اند» و مواردی وجود دارد که فرد به جرایمی که اساساً پس از بازداشت او ساخته شده‌اند، اعتراف کرده است.

بنابراین، وضعیت حقوق بشر در ایران در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی، نه تنها بهبود نیافته، بلکه رقم اعدام‌ها و شلاق زدن به دانشجویان و کارگران و ... دست‌کم نسبت به گذشته دو سه برابر افزایش نشان می‌دهند. در چهار سال گذشته وزیر دادگستری دولت روحانی، آخوندی به نام «مصطفی پورمحمدی» بود که در سال 1367 و در پایان جنگ هشت ساله ایران و عراق، خمینی هنگامی که قطعنامه شماره 598 سازمان ملل را پذیرفت، گفت: «حام زهر را سر کشیدیم.» او در آن دوره همانند مار زخمی، دو فتوای جنایت‌کارانه و تروریستی تاریخی صادر کرد که اولی کشتار چندین هزار زندانی سیاسی در زندان‌های سراسر ایران با مخفی‌کاری تمام بود به طوری که حتی جنازه اعدام‌شدگان را مخفیانه دفن کردند؛ اخیراً نیز گورهای جدید کشف شده است. با این وجود، هنوز هم نزدیکان این قربانیان از محل دفن عزیزان خود هیچ خبری ندارند؛ و دومی صدور فتوای قتل سلمان رشیدی، به دلیل نوشتن کتاب «آیات شیطانی» بود. خمینی برای کشتار زندانیان سیاسی چهار نفر را مأمور کرده بود که به «گروه مرگ» معروف شدند. یکی از آن‌ها، همین پورمحمدی وزیر دادگستری دولت روحانی بوده است. به گفته منتظری که در آن زمان نایب امام بود در طول دو سه ماه حدود چهار هزار نفر را اعدام کردند اما مخالفین حکومت می‌گویند آمار اعدام‌ها خیلی بیش‌تر از این‌هاست.

در کابینه دوم روحانی، پورمحمدی جلی خود را به «علیرضا آوایی» داد. او هم مانند پورمحمدی، در کشتارها و اعدام‌های زندانیان سیاسی فعال بود و کارنامه سیاهی دارد.

وزیر ارتباطات آن نیز در وزارت اطلاعات مسئولیت شنود را به عهده داشته است. محمدجواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در کابینه دوم روحانی، پیش‌تر در وزارت اطلاعات

حکومت اسلامی، مسئولیت مکالمات تلفنی و شنود را عهده‌دار بوده و از این طریق بسیاری از روزنامه‌ها و وب‌ها و شبکه‌های اجتماعی بسته شده و فعالین آن‌ها به زندان افکنده شده‌اند.



اخیرا، یک عضو کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس افزایش آمار کودکان در زندان‌های ایران به تعداد بیش از دو هزار و 300 نفر را نشانه «افزایش» زنان مجرم دانست و تاسیس مهدکودک در زندان را ضروری خواند. این نماینده مجلس، وجود دو هزار و 300 کودک به همراه والدین خود در زندان‌ها را وضعیتی «بسیار عجیب و قابل نامل» دانسته و از سازمان زندان‌ها خواسته «آمار شفافی از تعداد مادران زندانی» ارائه کند. این عضو کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس در عین حال افزوده که «هخفی کردن آمار مجرمان مشکلی را حل نمی‌کند، هرچند آمارهای بالا نیز بسیار تاسف‌برانگیز است» در حال حاضر آمار دقیقی در مورد تعداد زنان زندانی در زندان‌های کشور وجود ندارد، اما آن‌گونه که آمار منتشر شده در سال 92 نشان می‌دهد، تنها حدود سه درصد زندانیان ایران را زنان تشکیل می‌دهند. به گفته زهرا بنیانیان، مشاور دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر در امور زنان و خانواده در سال 92 بیش از هفت هزار و 377 زن در ایران زندانی بوده‌اند. به عقیده برخی حقوق‌دانان و مدافعان حقوق کودک، بی‌توجهی به وضعیت کودکانی که در کنار مادرانشان در محیط ناسالم زندان به سر می‌برند، موجب می‌شود زمینه برای تبدیل این کودکان به مجرمان آینده فراهم شود. البته رد حاکمیت جمهوری اسلامی، هزاران کودک با مادران سیاسی خود در زندان‌ها متولد و یا بزرگ شده‌اند و برخی کودکان نیز به دلیل اعدام و یا زندان طولانی والدین‌شان، به فامیل‌هایشان سپرده شده و در فراق پدر و مادر با درد ورنج و غم زیادی بزرگ شده‌اند.

از سوی دیگر، رییس سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی ایران می‌گوید آمار زندانیان در ایران از سال 1364 تا 1395 حدود 333 درصد رشد داشته است و در حال حاضر 64 درصد زندانیان متاهل هستند. به گزارش خبرگزاری حکومتی تسنیم، اصغر جهانگیری روز دوشنبه اول خرداد 96 گفت: ایران از نظر جمعیت زندانیان در میان کشورهای اسلامی در رتبه دوم و در میان کشورهای آسیایی در رتبه ششم قرار دارد. اورتبه ایران در جهان را چهل و یکم اعلام کرد و افزود: جمعیت زندانیان در هر 100 هزار تن در آسیا 174 نفر و در جهان 168 تن است. به گفته او، اما این رقم در ایران 283 تن به ازای هر 100 هزار تن است. شمار زندانیان بر اساس آمار رسمی اعلام‌شده، برای نمونه، در دانمارک 61 تن، در ایالات متحده نزدیک به 700 تن، در ژاپن 49 تن، در آفریقای جنوبی 292 تن، در سوئیس 84 تن یا در مالزی 161 تن در هر 100 هزار تن است. رییس سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی ایران گفت که «ظرفیت زندان‌های ما 88 هزار تن است، اما اکنون 223 هزار تن موجودی، یعنی بیش از 5/2 برابر تراکم، زندانی داریم». جهانگیری افزود که «در سال 1358 با 37 میلیون جمعیت، 8557 زندانی داشتیم و در سال 95 با 78 میلیون جمعیت، 223 هزار تن» در زندان‌ها بودند. به اقرار این عنصر حکومتی: «گرچه جمعیت کشور از سال 64 تا 95، حدود 66 درصد افزایش یافته اما آمار زندانیان 333 درصد رشد داشته است.»

گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر ایران به حکومت اسلامی ایران توصیه جدی کرد که یک تحقیق مستقل و همه‌جانبه درباره کشتار 67 انجام دهد. خانم عصمی جهانگیر در تازه‌ترین گزارش خود می‌نویسد:

«خانواده‌های قربانیان باید از حق دانستن حقیقت درباره این واقعه و سرنوشت عزیزانشان، بدون ترس از تلافی‌جویی دولتی برخوردار شوند. آن‌ها حق برخورداری از اقدامات ترمیمی از جمله انجام یک تحقیق موثر درباره حقایق و افشای عمومی آن‌ها و همچنین حق جبران خسارت را دارند.»

این نخستین باری است که یک گزارشگر سازمان ملل در گزارش خود فصل مستقلی را به اعدام‌های جمعی زندانیان سیاسی در سال 67 اختصاص می‌دهد.

در این بخش، هم‌چنین به تخریب گورهای جمعی مربوط به سال 67 در ایران اشاره شده است. گزارشگر ویژه در این باره چنین گزارش داده است: «در اردیبهشت و خرداد ماه امسال، بولدورزهایی دیده شده‌اند که در حال انجام یک پروژه ساخت و ساز در نزدیکی گورهای جمعی اهواز که در یک زمین بیابانی نزدیک گورستان بهشت آباد این شهر قرار دارد بوده‌اند. در این گورها، پیکر حداقل 44 نفر از زندانیانی که در تابستان 67 کشته شده‌اند قرار دارد.»

در جمع‌بندی می‌توان گفت زندانیان سیاسی محبوس در زندان رجایی‌شهر کرج، که حدود 52 تن برآورد می‌شوند در هفته‌های اخیر به بندی امنیتی و تازه منتقل شدند. در این بند که حتی سروس‌های بهداشتی آن نیز مجهز به دوربین‌های مداربسته است؛ محرومیت‌های کم سابقه‌ای به زندانیان تحمیل شده است. این وضعیت اعتصاب غذا را به آن‌ها تحمیل کرده است. کاش می‌شد به جای اعتصاب غذا که به جسم و جان زندانی آسیب‌های جبران ناپذیری وارد می‌کند مبارزه دیگری در پیش گرفته می‌شد. اما خود زندانی سیاسی پیش از همه به عواقب اعتصاب غذا آگاهی دارد چرا که برخی از آن‌ها مانند رضا شهابی، آن را تجربه کرده‌اند و درد ورنج و عوارض آن را در جسم و روح خود حمل می‌کنند. اما هنگامی که زندانی در اسارت، مورد تهاجم وحشیانه نیروهای سرکوبگر حکومتی قرار می‌گیرد به ناچار به این روش روی می‌آورد تا مقاومت خود را در برابر ظالمان و زورگویان نشان دهند. پس بنابراین، برخی‌ها به نادرست و آن‌چنان به این اعتصایون نردهای تنی می‌کنند. انگار مسئله اخلاقی و احساسی و ناآگاهانه است که با نصیحت آن‌ها، تغییرپذیر می‌پذیرد.

برخی از این زندانیان اعتصاب کننده رجایی شهر، از حبس ابد، 22 سال، 17 سال گرفته تا چندمین ماه نامشخص حکم زندان دارند. این زندانیان مقاوم و رزمنده و حق‌طلب، از جان و زندگی خود مایه گذاشته‌اند تا ذلت و خفت و نابرابری و استثمار را نپذیرند. بنابراین، دفاع از مطالبات آن‌ها و مبارزه پیگیر برای آزادی فوری آن‌ها و همه زندانیان سیاسی و اجتماعی، شایسته‌ترین دفاع از حرمت انسانی و پیمودن راهی به سوی آزادی، برابری و دموکراسی مستقیم در جامعه ایران است!

خانواده‌های زندانیان سیاسی، تنها نیستند آن‌ها افکار عمومی آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه و عدالت‌جویانه جامعه ایران و جهان را پشت سر خود دارند. به همین دلیل، آن‌ها اگر با صدای بلند و رسا، فراخوان تجمع اعتراضی روتین و دایمی در مقابل مراکز قدرت حاکم دهند بی‌تردید این افکار عمومی با آن‌ها خواهد بود!

هم‌اکنون مبارزه در دیگر شهرهای ایران، به‌ویژه بانه در اعتراض به کشتار کولبران محروم و زحمت‌کش توسط مأمورین مرزی حکومت اسلامی، در جریان است بی‌تردید این مبارزه به شهرهای دیگر کردستان و خارج از آن نیز کشیده خواهد شد. نهایت باید همه این اشکال مختلف و متنوع مبارزاتی باید به همدیگر پیوند بخورند و به یک جنبش سراسری و قدرت‌مند و موثری تبدیل گردید. امروز جنبش کارگری ایران، یک جنبش بسیار قوی و با تجربه‌ای است؛ این جنبش یک انقلاب عظیم تاریخی را تجربه کرده و هم‌چنین سرکوب خونین آن را! این جنبش در چهار دهه گذشته، با افت و خیزها و تحمل فشارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و امنیتی، به مبارزه طبقاتی بر حق و عالانه خود ادامه داده و هنوز هم می‌دهد. اکنون کارگران ایران، با خانواده‌هایشان بیش از 60 میلیون تن جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند بنابراین، پیوند زدن این مبارزات و متحد کردن جنبش‌های اجتماعی و مبارزات جاری با همدیگر، در توان و ظرفیت چنین جنبشی است. اما به شرطی که این طبقه، موانع موجود پیش پای خود را کنار بگذارد به خصوص جنبش کارگری باید از یک جنبش در خود و مطالباتی و محلی خارج شود و به یک جنبش تغییر سیاسی - اجتماعی در جامعه تبدیل گردد؛ بدیل طبقاتی خود را که همانا اداره و مدیریت کل جامعه به دست خود مردم آزاده و بدون توجه به ملیت و جنسیت و کشمکش‌های سیاسی و باورهای مذهبی صورت گیرد و هم‌چنین این جنبش در مرکز تحولات اساسی و مهم جامعه قرار گیرد و به‌عنوان نماینده اکثریت شهروندان جامعه ایران ظاهر شود! هم‌چنین جنبش کارگری و تشکل‌های موجود کارگری ایران، نه تنها برای آزادی کارگران و همکاران زندانی خود تلاش کنند، بلکه باید برای آزادی همه زندانیان سیاسی، عقیدتی و اجتماعی و بدون توجه به جنسیت، ملیت و باورهای مذهبی و سیاسی آن‌ها تلاش نماید! این‌ها کم‌ترین انتظاراتی است که همین امروز نیز از فعالین سرشناس و صادق و رزمنده جنبش کارگری و تشکل‌های موجود به ویژه سندیکای شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و سندکای هفت تپه و... که نه تنها از تجارب ارزنده و

گران‌بهای سازمان‌دهی و هدایت مبارزه سیاسی و طبقاتی هم‌طبقه‌ای‌هایشان برخوردارند، بلکه در عرصه سرکوب، زندان و شکنجه و شلاق و مقاومت نیز تجارب مستقیمی دارند، به معنای واقعی و به درستی در جامعه وجود دارد! حقیقتاً هنگامی که یک عضوی از یک خانواده زندانی می‌شود در واقع همه آن خانواده تحت فشارهای عدیده‌ای هم‌چون مشکل اقتصادی، فشارها و تهدیدهای امنیتی و آسیب‌های اجتماعی و افسردگی قرار می‌گیرند. بنابراین نباید خانواده زندانیان سیاسی و اجتماعی را تنها گذاشت. آن‌ها شایسته‌ و بالاترین حمایت‌های مادی و معنوی هستند! تجمع روز سه‌شنبه در مقابل مجلس شورای اسلامی حاکمیت مرتجع و آدم‌کش و مافیایی در تهران و بدون مجوز پلیس سرکوبگر، به فراخوان ربابه رضایی، نشان داد که در جامعه ما پتانسیل زیادی در حمایت و پشتیبانی و حضور فعال از چنین فراخوان‌هایی وجود دارد و این یک تجربه جدید و قابل تعمقی است.

در چنین شرایطی، باید تأکید کنیم که این جامعه موجود ایران، شایسته هیچ انسانی نیست بنابراین، زمان آن رسیده است که مطالبات و خواست‌هایمان از جمله آزادی عزیزانمان از بند و اسارت حکومت اسلامی و لغو هرگونه شکنجه روحی و جسمی زندانیان، اعدام، اختناق و سانسور را از هیچ‌کس مطالبه نکنیم؛ چرا که به قول معروف «کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من» یعنی ما با اتحاد و همبستگی و قدرت مبارزه سیاسی - طبقاتی‌مان می‌توانیم در زندان‌ها را باز کنیم و همه زندانیان سیاسی و اجتماعی را آزاد کنیم! ما می‌توانیم وضع وخیم و فلاکت‌بار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی موجود را به نفع ستم‌دیدگان و محرومان و مساوات‌طلبان تغییر دهیم! یعنی خودمان قوانین و مقررات خودمان را برای اداره جامعه، تعیین و تدوین کنیم؛ خودمان تصمیم بگیریم و با عزم و اراده راسخ خودمان نیز مستقیماً مجری مصوبات مجامع عمومی خود باشیم!

چهارشنبه پانزدهم شهریور 1396 - ششم سپتامبر 2017

ضمایم:

*تجمع اعتراضی در مقابل مجلس شورای اسلامی با فراخوان ربابه شهایی، در دفاع از رضا شهایی و... لینک فیلم این اعتراضات:

<https://youtu.be/2yw7z4cEGLU>

*فیلم تظاهرات مردم بانه در اعتراض به کشتار کولبران توسط حکومت اسلامی

https://youtu.be/M_2aWf0EAXY

<https://youtu.be/vp-tLE8R010>